

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه تربیت معلم تهران  
پایان نامه دوره کارشناسی ارشد

عنوان

حقوق متقابل مردم و حکومت  
از دیدگاه حضرت علی علیه السلام

۱۳۸۱ / ۵ / ۲۰

روز اظهارات در آزمون علمی ایران  
تسلیت مبارک

استاد راهنما:  
دکتر جعفر پور

استاد مشاور:  
دکتر مجتهد سلیمانی

۴۲۷۲۹

نگارش:  
الله نور کریمی تبار

## تقدیم به:

آنکه غنچه وجودش در دل کعبه شکوفا شد؛

زالان دانشش فردا را سیراب نمود؛

عدالتش تجسم عدالت خدا بود؛

یک لمظه در انجام وظیفه درنگ نکرد.

قرآن ناطق، صراط مستقیم،

امیر المؤمنین علی بن ابیطالب (ع)؛

که با حق بود، حق شد و به حق پیوست.

و «فزت و ربّ الکعبه» او

خط سرف و صبر سبزش را بر مسیر

مدعیان ارادتش ترسیم ساخت.

## «من لم يشكر المخلوق، لم يشكر الخالق»

### تشکر و قدردانی:

لازم است با تواضع از استاد دکتر جعفرپور به عنوان استاد راهنما و استاد مجتهد سلیمانی به عنوان استاد مشاور که این نوشتار، نتیجه رهنمودهای عالمانه توأم با محبت و مهربانی آنان است؛ همچنین حضرت آیت الله بجنوردی، که در پاسخ به بعضی از ابهامات، بذل محبت فرمودند، تقدیر و تشکر نمایم.

از مساعدت و معاضدت جناب حجة الاسلام و المسلمین حیدر مصلحی و برادرانم عزیز الله و حسن، که مشوق و معینم در طول تحصیل بودند، سپاسگزارم. در پایان از کلیه اساتید و کارکنان محترم دانشکده، مخصوصاً خواهر حسین جانی و تمام کسانی که به هر نحو همکاری داشته‌اند، تشکر و قدردانی می‌نمایم و جزای خیر همه را از خداوند متعال مسئلت دارم.

الله نور کریمی تبار

تیر ماه ۱۳۸۱

## چکیده پایان نامه

عنوان پایان نامه: حقوق متقابل مردم و حکومت از دیدگاه حضرت علی (ع)

نام و نام خانوادگی دانشجو: الله نور کریمی تبار      استاد راهنما: دکتر جعفرپور  
استاد مشاور: دکتر مجتهد سلیمانی      دانشکده: الهیات  
رشته: فقه و مبانی حقوق اسلامی      تاریخ دفاع: تیرماه ۱۳۸۱

### چکیده:

هر حکومتی برای مردم، حقی قائل است و مردم برای حکومت، حقوقی را پذیرفته‌اند. در جوامع دموکراسی بیشترین حقوق متعلق به مردم و در نظام استبدادی مربوط به حکومت می‌باشد. در حکومت اسلامی، مردم و حکومت چه حقی بر همدیگر دارند؟ در این تحقیق از دیدگاه حضرت علی (ع) مورد بررسی قرار گرفته است. در این نگرش مردم بعنوان اشرف مخلوقات و خلیفه الهی از امتیازات والایی برخوردارند. حق نصیحت و خیرخواهی، تأمین عدالت اقتصادی و تأمین اجتماعی، تعلیم و تربیت متناسب با منزلت و کرامت انسانی، اطلاع رسانی در امور مختلف و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی با مشاوره آنان، از اهم حقوق مردم بر حکومت می‌باشد که مکلف بر اجرای آنها می‌باشد. در مقابل وفاداری به بیعت، نصیحت و خیرخواهی، حاضر بودن در صحنه، انتقاد سازنده جهت اصلاح امور و فرمانبری از مهمترین حقوق حکومت بر مردم است که مکلف به رعایت آنها می‌باشند. البته اطاعت پذیری مردم از حکومت فرع بر پابندی حکومت به وظایف خویش و عمل به آنها است. در حکومت اسلامی، رابطه مردم و حکومت، بر ساس مهری، معنویت و اخوت می‌باشد. حاکمان حقی بیش از مردم ندارند، از هیچ امتیاز ویژه‌ای برخوردار نیستند، زندگی آنان برتر از قشر متوسط جامعه نمی‌باشد و مقام و منصب، امانتی بر عهده آنان است. رعایت حقوق متقابل مردم و حکومت، اصلاح متقابل مردم و زمامداری را در پی دارد.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۱۶	نکات مهم تحقیق

### ● بخش اول کلیات

#### ○ فصل اول:

۱۹	تعاریف
۱۹	حقوق
۲۰	حق و تکلیف
۲۲	فلسفه حقوق متقابل مردم و حکومت
۲۳	مردم
۲۶	حاکمیت
۲۶	حاکمیت تئوکراتیک یا منشأ الهی
۲۹	حاکمیت دمکراتیک یا منشأ مردم
۲۹	حکومت
۳۰	ضرورت حکومت
۳۱	انواع حکومت
۳۲	حکومت فردی
۳۴	حکومت گروهی
۳۵	جمهوری
۳۷	جمهوری اسلامی

## ○ فصل دوم:

- ۴۰ ..... دیدگاه اندیشمندان سیاسی
- ۴۰ ..... نیکولو ماکیاوولی
- ۴۳ ..... ژان بدن
- ۴۵ ..... توماس هابز
- ۴۷ ..... جان لاک
- ۴۹ ..... شارل مونتسکیو
- ۵۱ ..... ژان ژاک روسو
- ۵۳ ..... منشأ انحراف نظریه پردازان غربی
- ۵۴ ..... حضرت علی (ع)

## ● بخش دوم: حق مردم بر حکومت

### ○ فصل اول:

- ۶۰ ..... نصیحت و خیرخواهی نسبت به مردم
- ۶۱ ..... معنی نصیحت
- ۶۲ ..... نصیحت مؤمن
- ۶۳ ..... بررسی نصیحت
- ۶۴ ..... فرق موعظه و نصیحت
- ۶۵ ..... لزوم نصیحت
- ۶۶ ..... نصیحت، حق مردم بر حاکم
- ۶۷ ..... رابطه خیراندیشی و گزینش مسئولین
- ۶۸ ..... پیامد مثبت نصیحت پذیری
- ۶۸ ..... پیامد بی توجهی به نصایح رهبری
- ۶۹ ..... موانع نصیحت پذیری

۷۱	..... حقوق ناصحن
۷۲	..... حقوق نصیحت خواه

### ○ فصل دوم:

۷۶	..... برقراری عدالت اقتصادی
۷۷	..... ارزش فقر و غنا
۷۸	..... مال و ثروت
۸۱	..... فقر اقتصادی
۸۶	..... منابع مالی حکومت اسلامی
۸۷	..... الف: انضام
۸۸	..... ب: مالیات
۹۵	..... مصرف بیت المال
۹۵	..... تأمین اجتماعی
۱۰۳	..... عدالت اقتصادی
۱۰۸	..... مقابله با مفاسد اقتصادی

### ○ فصل سوم:

۱۱۴	..... تعلیم
۱۱۹	..... پیوند علم و عمل
۱۲۰	..... حکومت و آموزش
۱۲۳	..... قانون اساسی و آموزش
۱۲۴	..... اعلامیه جهانی حقوق بشر و آموزش
۱۲۴	..... حکومت و اطلاع رسانی
۱۲۵	..... پاسخگو بودن حکومت اسلامی



## ○ فصل چهارم:

۱۲۸	تربیت .....
۱۳۰	الگوی تربیت .....
۱۳۲	هماهنگی عوامل مؤثر .....
۱۳۳	شیوه تربیت .....

## ● بخش سوم: حق حکومت بر مردم

### ○ فصل اول:

۱۴۲	بیعت .....
۱۴۷	بیعت در تاریخ اسلام .....
۱۴۷	فرق رأی و بیعت .....
۱۴۸	بیعت و آزادی .....
۱۵۳	نقش بیعت .....
۱۵۵	پایبندی به بیعت .....

### ○ فصل دوم:

۱۵۸	نصیحت و خیرخواهی مردم نسبت به حکومت .....
۱۶۱	ضرورت و اهمیت نصیحت حاکمان .....
۱۶۳	الگو بودن حضرت علی (ع) در خیرخواهی نسبت به خلفاء .....
۱۶۷	ایجاد زمینه‌های شکوفایی نصیحت .....
۱۷۴	مشورت .....
۱۷۷	فوائد مشورت .....
۱۸۱	وظیفه مشاور .....
۱۸۲	ویژگی مشاوران .....

۱۸۸	انتقاد.....
۱۹۲	کیفیت انتقاد.....
۱۹۳	ایجاد فضای مناسب.....
۱۹۷	وظیفه مردم در بیان انتقاد.....
۱۹۹	انتقاد پذیری حاکمان.....
۲۰۰	استیضاح مردمی.....
۲۰۱	پاسخ مسئولین.....

### ○ فصل سوم:

۲۰۴	اجابت و فرمانبرداری.....
۲۰۴	نیاز جامعه به رهبر.....
۲۰۷	لزوم پیروی از ولی فقیه.....
۲۰۹	اطاعت مشروط از رهبر و مسئولین.....
۲۱۰	پیامد مثبت اطاعت پذیری.....
۲۱۴	پیامد نافرمانی.....
۲۱۹	چکیده انگلیسی.....
۲۲۰	فهرست منابع.....

## مقدمه:

الحمد لله الذي أرسل رسوله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله والصلوة  
والسلام على خير خلقه محمد (ص) واهل بيته الطاهرين.

در پرتو دین مبین اسلام، مردم می‌توانند چه انتظاراتی از نظام جمهوری اسلامی داشته باشند و حکومت چه تکلیفی نسبت به آنان بر عهده دارد؟ از طرفی خواست حکومت از مردم چیست؟ حد و مرز انتظاراتها تا کجا است؟ و به تعبیر دیگر حقوق متقابل مردم و حکومت بر همدیگر چیست؟ تا با شناخت و پابندی به آن، خواسته مشروع و به حق هر کدام تأمین و سعادت و سلامت جامعه تضمین گردد.

پاسخ به این سؤال انگیزه انتخاب موضوع «حقوق متقابل مردم و حکومت از دیدگاه حضرت علی (ع)»، به عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد گردید.

آنچه در این تحقیق به عنوان حق مردم بر حکومت و حق حکومت بر مردم و شیوه حکومتداری و مردم‌داری امیرالمؤمنین (ع) بیان گردید، کاربرد عملی دارد و نسخه شفابخش نابسامانیهای فعلی مملکت است؛ زیرا حقوق در بعد مادی و معنوی با ویژگیهایی که در حکومت‌های دموکراسی شرق و غرب نظیری ندارد بیان گردیده و اسوه حسنه‌ای همچون مولود کعبه و شهید محراب، الگوی اجرای آن می‌باشد. به این امید که تلاش در پرتو نور آن حضرت مفید و مؤثر واقع شود و ان شاء الله پاسخ مثبتی به نیازمندی کشور باشد.

بحمدالله ثمره یک سال و نیم کار کتابخانه‌ای، مجموعه حاضر را در سه بخش بعنوان پاسخ مناسبی به این مهم فراهم ساخت. در بخش اول کلیات، در بخش دوم حقوق مردم بر حکومت و در بخش سوم حقوق حکومت بر مردم بیان گردیده است.

بخش اول کلیات و دارای دو فصل است؛ در فصل اول، مباحثی پیرامون حقوق، مردم، حاکمیت و حکومت می‌باشد.

حقوق جمع حق؛ در لغت به معنای متعددی بکار رفته است، همچون: راستی، بهره، وظیفه و تکلیف، شهریه و...؛ اما در تعریف مورد نظر در این مبحث، حق عبارت از گونه‌ای سلطه است که دارنده آن، بر طرف دیگر (من علیه الحق) ایجاب می‌کند. مثلاً حقی که مردم بر حکومت دارند، سلطه‌ای برای آنان بوجود می‌آورد که حکومت را مکلف به ادای آن حقوق می‌سازد. حق با تکلیف ملازم است و هر جا حقی باشد، تکلیفی هم وجود دارد.

در حکومت اسلامی، انجام تکالیفی که به عهده مردم است فرع انجام وظیفه از سوی حکومت می‌باشد. هرگاه حکومت به حقوقی که مردم بر عهده او دارند عمل کرد، حق اطاعت از حکومت بر مردم لازم می‌گردد. (۱)

حضرت علی (ع) می‌فرماید:

«حق به نفع کسی جریان نمی‌یابد، جز اینکه در مقابل، برایش مسئولیتی بوجود می‌آورد و

حق به زیان کسی جاری نمی‌شود، جز اینکه به همان اندازه به سود او جریان می‌یابد.» (۲)

حقوق متقابل مردم و حکومت موجب نظام الفت و پیوستگی آنان بایکدیگر و باعث عزت و نیرومندی دینشان قرار می‌گیرد. (۳)

یکی از ارکان اصلی هر حکومتی مردم هستند و اقتدار آن بستگی به حمایت مردمی دارد.

در نظام سیاسی اسلام، مردم از جایگاه ویژه و والایی برخوردارند و به حدی برای آنان منزلت قائل است که بدون رضایت آنان، قانون تشریحی خالق هستی اجرا نمی‌شود رهبر و مسئولین نظام، بعنوان خدمتگزار مردم محسوب می‌گردند و هیچگونه امتیازی نسبت به دیگران ندارند و در عمل به قانون، همه یکسان می‌باشند.

حضرت علی (ع) جهت رعایت حقوق مردم، خطاب به مالک اشتر می‌فرماید:

«قلب خویش را نسبت به مردم مملو از رحمت و محبت و لطف کن و همچون حیوان

۱- نهج البلاغه، نامه ۴/۵۰

۲- همان، خطبه ۲/۲۱۶

۳- همان، خطبه ۷/۲۱۶

درنده‌ای نسبت به آنان مباش که خوردن آنان را غنیمت بشماری؛ زیرا آنان دو گروه بیش

نیستند: یا برادر دینی تواند و یا انسانهایی همچون تو.»<sup>(۱)</sup>

در فرهنگ اسلامی، انسان موجودی است که روح خدایی در او دمیده شده و چنان او را شایسته ساخته که به دستور خداوند، فرشتگان برایش سجده کردند؛<sup>(۲)</sup> به عنوان جانشین خداوند و خلیفه الهی در زمین سکنی گزید؛<sup>(۳)</sup> و به عنوان اشرف مخلوقات، دارای عزت و کرامتی است که خداوند به وی عطا فرمود.<sup>(۴)</sup>

هیچ کس حق ندارد این عزت و کرامت انسانی را تزییع کند و حرمت آنرا در هم شکنند و حکومت هم موظف به پاسداری از آن می‌باشد.

خداوند، انسان را در تعیین سرنوشت خویش آزاد قرار داده است و در انتخاب راهی که به آن هدایت شد، مختار می‌باشد<sup>(۵)</sup>. مردم با هم برابرند، هیچ احدی بر دیگری امتیازی ندارد مگر با تقوی<sup>(۶)</sup>. و اگر کسی به زیور تقوی آراسته شد، نه تنها خود را برتر از دیگران نمی‌داند، بلکه تمام توان خود را در اطاعت از خدا و خدمت به خلق و بهره دهی به جامعه سپری می‌کند، نه بهره‌کشی از دیگران.

حاکمیت عبارتست از: قدرت برتر فرماندهی یا امکان اعمال اراده‌ای فوق اراده دیگران<sup>(۷)</sup>. دو نظریه

در باب منشأ حاکمیت ارائه شده است:

۱- منشأ الهی یا حاکمیت تئوکراتیک. در این نظریه، حاکمیت جنبه نزولی دارد و قدرت از طرف خدا و خارج از اراده بشری است؛ مبنای این نظریه کتب آسمانی است. ساختار جمهوری اسلامی ایران بر این اساس است؛ لذا مصوبات نمایندگان مجلس شورای اسلامی باید به تأیید فقهای شورای نگهبان برسد تا عدم مغایرت آن با شرع احراز گردد.

۲- منشأ حاکمیت مردم یا دموکراتیک: بر اساس این نظریه، قدرت از اراده بشر سرچشمه گرفته است و حاکمیت جنبه صعودی دارد و بر این اساس می‌گویند جز با حاکمیت مردم نمی‌توان به رژیم دموکراسی

- 
- |  |                            |
|--|----------------------------|
| ۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳/۸                                  | ۲- سوره حجر (۲۹)، آیه ۵۱   |
| ۳- سوره بقره (۲)، آیه ۳۰                                   | ۴- سوره اسراء (۱۷)، آیه ۷۰ |
| ۵- سوره انسان (۷۶)، آیه ۳                                  | ۶- سوره حجرات (۴۹)، آیه ۱۳ |
| ۷- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، ص ۵۶ |                            |

دست یافت؛ زیرا همه انسانها برابرند و دلیلی برای تسلط بعضی بر دیگران وجود ندارد<sup>(۱)</sup>.

حکومت عبارتست از مجموعه ارگانهایی که بواسطه آنها، حاکم به اعمال اقتدار می پردازد. این تعریف شامل قوه مقننه، قضائیه، مجریه و رهبری می باشد.

انسان جهت ادامه زندگی، ناچار به زندگی اجتماعی می باشد و زندگی اجتماعی مستلزم مشکلاتی است که بدون حکومت، محکوم به فروپاشی و نابودی است. از این جهت مردم ناگزیر از حکومت و حاکمی هستند خوب یا بد، تا مؤمنان در سایه حکومتش به کار خویش مشغول و کافران هم بهره مند شوند<sup>(۲)</sup>.

سقراط حکومت را زاییده احتیاج بشری می داند<sup>(۳)</sup>. و جان لاک، انگیزه پذیرش حکومت را حفظ دارایی می داند<sup>(۴)</sup>.

حکومت را از زوایای گوناگون می توان مورد بررسی قرار داد؛ در اینجا بر اساس تعداد حاکمان مورد بررسی قرار می گیرد:

۱- **حکومت فردی:** در این نوع حکومت، سلطان یا شاه در رأس حکومت قرار می گیرد و دارای

اشکال: «پادشاهی موروثی»، «انتخابی» و «مشروطه» می باشد.

۲- **حکومت گروهی:** که گروه یا طبقه خاصی حکومت را در دست دارند و به شکل «آریستوکراسی» یعنی گروه کوچکی که مدعی برخورداری از تبار بلند یا شرافت طبقاتی اند، می باشد و

شکل فاسد آن «الیگارش» نامیده می شود. و نوع سوم حکومت گروهی، حکومت، «نخبگان» است.

از دید نظریه پردازان نخبه گرایی، حاکمیت افراد در کشورهای غربی، حاکمیت نخبگان است نه دموکراسی که از آن دم زده می شود.

۳- **جمهوری:** که در آن اقتدار و مناصب دولتی بصورت مستقیم و غیر مستقیم از طرف مردم به

---

۱- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، بایسته های حقوق اساسی، ص ۶۰

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱/۴۰ - ۲

۳- فاستر، مایکل ب.، خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه جواد شیخ الاسلامی، ج ۱، قسمت اول، ص ۷۲

۴- جونز، و.ت، خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه علی رامین، ج ۲، قسمت اول، ص ۲۳۹

حکام و گذار می شود و رئیس جمهور با رأی مستقیم یا غیر مستقیم مردم انتخاب می شود. (۱)

بهترین انواع حکومتها، جمهوری اسلامی می باشد که دارای دموکراسی است و مردم با رأی مستقیم، رئیس جمهور را انتخاب می کند و از نظر محتوا بهترین قانونی که خداوند برای هدایت بشر فرستاده، دارا می باشد که قید سلامی، ناظر بر این می باشد.

فصل دوم پیرمون دیدگاه خداوندان اندیشه سیاسی می باشد. برای شناخت بیشتر مسائل حقوقی، پیرامون مردم و حکومت، بخشی از نظرات این صاحب نظران (ماکیاول، ژان بدن، توماس هابز، جان لاک، شارل مونتسکیو و ژان ژاک روسو) بیان کرده است. شناخت ناقص آنان از «خدا، قانون، مردم و حکومت» موجب تفاوت فاحش نظراتشان شده است.

سیاست ماکیاوی به عنوان سیاستی منفور و غیر انسانی بر سر زینهاست اما در عرصه عمل، جویندگان قدرت و فزون طلبان میدان سیاست، پیروان شیوه اویند. ژان بدن معتقد است غیر از خدا، احدی از شهروز بالاتر نیست؛ چون به عنوان نایب خدا بر مردم حکومت می کند. هابز، انسان را گرگ انسان می داند. و رزش هر انسان را برابر بهایی که دیگران برای استفاده از وی می پردازند، می داند. جان لاک، انسانها را موجوداتی خوب، دارای روحیه اجتماعی و عقل و منطق می داند که از حقوق مساوی برخوردارند و اجازه نمی دهد دولت و کلیسا، در امور مربوط بهم دخالت کنند.

مونتسکیو بهترین حکومتها را حکومت قانون می داند و قوانین تربیت را در حکومتهای سلطنتی افتخار، در حکومتهای جمهوری فضیلت و در حکومتهای استبدادی ترس بیان می کند. روسو می گوید: چون هیچیک از فرد، حق حاکمیت بر دیگری را ندارد و زور هم موجود حق نمی باشد، بنابراین رضایت و توافق افراد، اساس همه حکومتهای مشروع است.

گر تأملی در دین کلیسا و دانشمندان آن شود، معلوم می شود نظریه پردازان غربی با شناخت ناقصی که از دین داشته اند، یا آنرا از عرصه حکومت و سیاست جدا کرده اند و یا پادشاه را تا جانشینی خدا ارتقاء داده اند.

فصل سوم، پیرمون فضائل و شخصیت حضرت علی (ع) می باشد. به این دلیل «حقوق متقابل مردم

۱ - مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، فلسفه سیاست، ص ۱۰۴ - ۱۰۷